

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و یکم، شماره هشتاد و دوم

تابستان ۱۳۹۹

بررسی انتقادی گزارش‌های ناظر بر آیه اطعام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۲۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۲/۱۲

محمد غفوری^۱

بر اساس آرای مشهور پیرامون آیاتی از سوره مبارکه دهر، امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و حسنین علیهم السلام بر اساس نذری روزه گرفتند و با وجود نیاز شدید به خوراک در هنگام افطار، آن را در راه خدا به مسکین، یتیم و اسیر بخشیدند. این عمل آنان مورد تقدیر خدای متعال قرار گرفت و خداوند از آن به عنوان سرمشقی برای دیگران یاد کرد. در تفاسیر شیعه و سنی و در کتاب‌های مناقب، گزارش‌های مختلفی درباره شأن نزول، شرح ماجرا، افراد روزه‌گیرنده و شمار روزهایی که افطار بخشیده شد، آمده است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی پس از بازخوانی گزارش‌ها و روایات موجود، سنجش آنها با یکدیگر، نشان دادن اختلاف و تناقض‌های آنها و با استناد به قرآن، سیره و عقل به نتایجی دست یافته است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به توالی روزه‌ها در سه روز، ولی اطعام در یک روز اشاره کرد. هم‌چنین، آشکار شدن تفاوت چگونگی رویارویی منابع شیعی و سنی با این رویداد و تفاوت رویکردهای تاریخی و منقبتی در رویارویی با آن از یافته‌های این پژوهش است.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اهل بیت علیهم السلام و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: (m.ghafoori@isca.ac.ir).

کلیدواژگان: امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام، مناقب قرآنی اهل بیت علیهم السلام، سوره دهر، تاریخ، روایات.

۱. مقدمه

مناقب نگاری در میان منابع اسلامی، حوزه‌ای بسیار پر حجم و انبوه است و کمتر منبعی را می‌توان یافت که اخبار و گزارش‌های منقبتی را در بر نداشته باشد. کتاب‌های تفسیر از این قاعده مستثنا نیستند و به مناسبت‌های مختلف در کنار آیات به مناقب افراد و گروه‌ها می‌پردازند. حجم قابل توجهی از این مناقب به مناقب اهل بیت علیهم السلام و خاندان نبوی اختصاص دارد که شیعه و سنی در ثبت و ضبط آن سهیم هستند.

شماری از اخبار مناقب به دلایل مختلف دچار تصحیف، تحریف، حشو و زوائد فراوان شده‌اند. گذشته از اشتباهات راویان و نویسندگان، رقابت‌های فرقه‌ای و غلو در باره بزرگان و پیشوایان دین، نقش اصلی را در افزودن، کاستن و یا دست بردن در این گروه روایات دارند. یکی از مناقب مشهور اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله که در قرآن بازتاب یافته است، ماجرای تاریخی اطعام مسکین، یتیم و اسیر است که منابع شیعه و سنی آن را گزارش می‌کنند، اما در چگونگی رخداد و جزئیات آن، تفاوت‌های زیادی دیده می‌شود. این مقاله به تبیین و نقد این گزارش‌ها با روش توصیف و تحلیل می‌پردازد تا بتواند گزارش درست را برگزیند.

بیشترین اختلاف این روایات در آن است که اطعام سه نیازمند در یک شب اتفاق افتاده است یا سه شب؟ فرضیه تحقیق آن است که به دلایل تاریخی، روایی و عقلی، این روی داد در یک شب بوده است. این تحقیق بر منابع تاریخی، حدیثی، تفسیری و فضایل و مناقب استوار است، اما برای محکم کردن بحث از هر منبع دیگری هم که این روی داد را گزارش کرده است، بهره برداری می‌شود.

درباره این موضوع، اثری پژوهشی یافت نشد و قرائت غالب در منابع، پذیرفته شده است. از این رو، این مقاله با نگاهی متفاوت به موضوع، آن را می‌کاود. گفتنی است این

واقعه با آن که رویدادی تاریخی است، اما در منابع تفسیری، روایی و منقبتی بازتاب یافته است. از این رو، کاهش آثار تاریخی در استنادات، به دلیل کم توجهی این گروه منابع به این واقعه است.

۲. مفاهیم

گزارش‌ها: در این جا اخبار و روایاتی که درباره واقعه خاص تاریخی بیماری حسنین علیه السلام و نذر روزه و اطعام یتیم، فقیر و اسیر نقل شده‌اند، مراد است. بررسی انتقادی: به این معنا است که سند، متن و محتوای گزارش‌ها بررسی شده است و درستی یا نادرستی آنها ارزیابی خواهد شد. نذر: آن است که انسان ملتزم شود که کار خیری را برای رضای خدا به جا آورد، یا کاری را که نکردن آن بهتر است برای رضای خدا ترک کند.^۱ اطعام: دادن یا خوراندن غذا یا هر نوع خوراکی به دیگران (با میل و رغبت خورنده) را اطعام گویند.^۲

۳. بررسی گزارش‌ها

در منابع، گزارشی وجود دارد که بیان کننده شأن نزول سوره انسان^۳ یا شماری از آیات این سوره است. خداوند در آیات هفتم تا نهم سوره انسان می‌فرماید:

يُوفُونَ بِالَّذَرِّ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا؛ [همان بندگان که] به نذر خود وفا می‌کردند، و از روزی که گزند آن فراگیرنده است می‌ترسیدند.

1. <https://www.balagh.ir/content/4861>.

2. <https://www.parsi.wiki/fa/wiki/137479/%d8%a7%d8%b7%d8%b9%d8%a7%d9%85>.

۳. دهر، هل اتی.

و يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا؛ و با این که اشتیاق به خوردن داشتند، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند.

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا؛ ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.

در تفاسیر و روایات، آرای مختلفی درباره شأن نزول و ماجرای این آیات بیان شده است. با این حال، روشن است که این آیات در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، حسنین علیهما السلام و خدمتکارشان فزه و بزرگداشت عمل آنان نازل شده است که همه افطاری خود را با وجود گرسنگی و نیاز شدید به آن، در راه خدا صدقه دادند.^۱

درباره تاریخ این واقعه، زمان دقیقی مشخص نشده است اما چون امام حسین علیه السلام در سال چهارم هجری زاده شده است و در این ماجرا نانی برای تغذیه ایشان پخته شده بود. بنابراین، زمان وقوع این واقعه بین سال پنجم تا دهم، پیش از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تخمین زده می‌شود. به دلیل آن که سال هفتم به بعد، با توجه به غنایم غزوات و سریه ها، وضعیت اقتصادی مسلمانان بهتر گردیده بود و از شدت فقر و گرسنگی کاسته شده بود. این رخداد را باید بین سال پنجم تا هفتم دانست.

در منابع، درباره چگونگی این واقعه، تفاوت‌های زیادی دیده می‌شود. برخی آن را در یک شب و برخی دیگر در سه شب متوالی دانسته‌اند. بعضی کوشیده‌اند با تحریف از عظمت کار این خاندان بکاهند و برخی شأن نزول‌های دیگری آورده‌اند. اکنون گزارش‌ها و آرای را که درباره آن وجود دارد، بررسی می‌کنیم.

۱. شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۱۱؛ طبرسی، جوامع الجامع، ج ۳، ص ۶۹۲.

۴. گزارش یکم^۱

امام حسن و امام حسین علیهما السلام کودک بودند که مریض شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و به نقلی، برخی صحابه که برای عیادت آمده بودند به امام علی علیه السلام پیشنهاد دادند که نذر کند تا خداوند، حسنین علیهما السلام را شفا دهد. پس آن حضرت و به تبع ایشان حضرت فاطمه علیها السلام و خدمتکارشان، فضا و به گفته برخی، حتی حسنین نذر کردند که اگر شفا حاصل شد، سه روز روزه بگیرند. در پی حاصل شدن شفا، این خانواده درصدد ادای نذر خود برآمدند، اما چون چیزی برای خوردن نداشتند، امام علی علیه السلام نزد شمعون، همسایه یهودی که پشم ریسی می کرد، رفت و از او مقداری پشم گرفت تا حضرت زهرا علیها السلام بریسد. در مقابل این کار، سه صاع جو گرفت تا در این سه روز افطار کنند.

بر اساس این روایت، حضرت زهرا علیها السلام هر روز، ابتدا یک سوم پشمها را ریسد و سپس یک صاع از آرد جو را پنج قرص نان به تعداد اعضای خانواده درست کرد ولی به هنگام افطار، روز اول مسکین، روز دوم فقیر و روز سوم اسیری آمدند و کمک خواستند و در هر سه روز، امام علی علیه السلام همه نانها را به نیازمندان داد و هر پنج نفر با آب افطار کردند. روز چهارم، امام علی علیه السلام دست حسنین علیهما السلام را که از شدت گرسنگی بی حال شده بودند و می لرزیدند، گرفت و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله برد. پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن آنان متأثر شد و فرمود: شما سه روز است، گرسنه هستید و من بی خبرم. آن گاه فرمود: برویم پیش فاطمه علیها السلام. وقتی آمدند، حضرت فاطمه علیها السلام در محراب بود و چشمانش گود افتاده بود. پیامبر صلی الله علیه و آله، دخترش را به سینه چسباند و شکوه کرد و از دست خود نالید که اهل بیتش از گرسنگی از دست می روند و او خبر ندارد. آن گاه، جبریل نازل شد و این سوره را به عنوان تهنیت آورد.^۲

۱. منابعی که این گزارش را نقل کرده اند به دو دسته تقسیم شده اند و به خاطر تشابه زیاد، گزارش هر دسته در هم ادغام شده است و در قالب یک گزارش آمده است.

۲. کوفی، المناقب، ج ۱، ص ۱۷۷ - ۱۸۳؛ شیخ صدوق، الامالی، ص ۳۲۹ - ۳۳۳؛ فتال نیشابوری، روضة السواعظین، ص ۱۶۰ - ۱۶۴؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۹۴ - ۴۰۸؛ ثعلبی،

۵. منابع و مآخذ این گزارش

منابعی که این روایت را آورده‌اند، دو دسته هستند. دسته اول، مناقب محمد بن سلیمان کوفی (د. حدود ۳۰۰ق.) و کتاب‌هایی که از آن نقل کرده‌اند مانند *مالی* شیخ صدوق (د. ۳۸۱ق.) و به نقل از صدوق، *روضۃ الواعظین* فتال نیشابوری (د. ۵۰۸ق.)، *مناقب ابن شهر آشوب* (د. ۵۸۸ق.) و *محاضرة الابرار* محیی الدین ابن عربی (د. ۶۳۸ق.)^۱.

دسته دوم، *شواهد التنزیل*، حاکم حسکانی (قرن ۵) و تفسیر ابواسحاق ثعلبی (د. ۴۲۷ق.) و روایت کنندگان از ثعلبی، مانند مناقب خوارزمی (د. ۵۶۸ق.)، *العمدة و خصائص الوحی المبین* یحیی بن حسن ابن بطریق (د. ۶۰۰ق.)، *اسد الغابه*، ابن اثیر (د. ۶۳۰ق.)، *الیقین و الطرائف* علی ابن طاووس (د. ۶۶۴ق.)، *بناء المقالة الفاطمیة*، جمال الدین ابن طاووس (د. ۶۷۳ق.)، *کشف الغمة* اربلی (د. ۶۹۳ق.)، *نهج الایمان* ابن جبر (قرن ۷)، *کشف الیقین* علامه حلی (د. ۷۲۶ق.) و *ارشاد القلوب* دیلمی (قرن ۸).

محمد بن سلیمان کوفی، روایات دیگری دارد که در منابع شیعی منعکس نشده است.^۲ هم‌چنین، ثعلبی این خبر را به عنوان شأن نزول دوم آورده است^۳ ولی منابع شیعی که از تفسیر او استفاده کرده‌اند، تنها همین روایت را بیان نموده‌اند. به هر روی، این منابع تفاوت‌هایی دارند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

الکشف و البیان، ج ۱۰، ص ۹۸ - ۱۰۲ و به نقل از او، ابن طاووس، *بناء المقالة الفاطمیة*، ص ۲۳۵ - ۲۳۹؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۴۷ و ۱۴۸.

۱. آدرس این منابع و منابع دسته دوم و مطالبی که بدون ارجاع بیان می‌شود، در پانوشته قبلی آمده است.

۲. کوفی، المناقب، ج ۲، ص ۱۷۷ - ۱۸۳.

۳. ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۱۰، ص ۹۸ - ۱۰۲.

۶. ارزیابی این روایت در هر دو گروه

در منابع دسته اول و حتی در مناقب محمد بن سلیمان کوفی، پیامبر ﷺ با همراهی صحابه از جمله ابوبکر (د. ۱۳ق.) و عمر (د. ۲۳ق.) به عیادت رفتند. ضمن آن که در مناقب کوفی و برخی دیگر از منابع، پیشنهاد دهنده نذر، عمر است اما صدوق در *امالی* در این باره می‌نویسد:

پیامبر که دو مرد او را همراهی می‌کردند به عیادت نوه‌هایش رفت.^۱

منابع دسته اول، حسنین را نذر کننده روزه می‌دانند. کوفی در این باره می‌نویسد:

قال الصبیان ﷺ و نحن نصوم.^۲

شیخ صدوق در این باره می‌نویسد:

و قال الصبیان و نحن ایضا نصوم ثلاثة ایام.

با این حال، شیخ صدوق بر صغیر بودن ایشان تأکید می‌کند و می‌نویسد:

و هما صبیان صغیران.^۳

در منابع دسته دوم، مطلبی درباره نذر کودکان نیست، اما حاکم حسکانی در روایتی مختصر، آن را هم بیان می‌کند.^۴

منابع دسته اول بر این باور هستند که در هر سه روز به محض آن که امام علی ﷺ نخستین لقمه را برگرفت، به ترتیب روزها، مسکین یا فقیر یا اسیر در زدند، اما در منابع دسته دوم، این صحنه سازی وجود ندارد. قتال درباره مشکل کوچکی حسنین می‌نویسد:

۱. شیخ صدوق، *الامالی*، ص ۳۲۹-۳۳۳.

۲. کوفی، *المناقب*، ج ۲، ص ۱۷۷-۱۸۳.

۳. شیخ صدوق، *الامالی*، ص ۳۲۹-۳۳۳.

۴. حاکم حسکانی، *شواهد التنزیل*، ج ۲، ص ۳۹۴-۴۰۸.

اگرچه کودک بودند، ولی این عمل ایشان ثواب دارد چون خدا از ضمیرشان

خبر داده است، ولی برای سایر کودکان ثوابی لحاظ نخواهد شد.^۱

به گفته منابع این گروه، در آن شرایط سخت گرسنگی، امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام در یک گفت‌وگوی شاعرانه تصمیم می‌گیرند، افطاری خانواده را صدقه دهند.^۲ این اشعار در منابع، بسیار آشفته، نارسا و دارای ایراد ادبی و زبانی است. به گفته فتال نیشابوری، برخی به همین سبب، انتساب آنها به امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام را رد می‌کنند و جعلی می‌دانند، ولی خود فتال در دفاع از این گزارش، ایراد اشعار را از راویان می‌داند.^۳

جالب است که در بیشتر منابع دسته اول، هر سه نیازمند، یک جمله را به عنوان درخواست تکرار می‌کنند، اما حاکم حسکانی و ابن بطریق (د. ۶۰۰ق.) که این ماجرا را از ثعلبی نقل می‌کنند، هم‌چنین علی بن یوسف بن جبر (د. قرن هفتم) و علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلی (د. ۷۳۶ق.) که احتمال می‌رود از ابن بطریق بهره برده‌اند، گفت‌وگوی شاعرانه را بیان نمی‌کنند.^۴ شاید ابن بطریق این گفت‌وگو را نپسندیده بوده است و یا این که در گزارش ثعلبی نبوده است و بعدها به آن افزوده شده است. چنان که در گزارش حسکانی و معاصر ثعلبی نبوده است و *ارشاد القلوب* آن را بیان نکرده است.

۱. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۶۴.

۲. کوفی، المناقب، ج ۱، ص ۱۷۹-۱۸۲؛ شیخ صدوق، الامالی، ص ۳۳۰-۳۳۲؛ ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۱۰، ص ۹۹-۱۰۱؛ خوارزمی، المناقب، ص ۲۶۸-۲۷۱؛ ابوالفتح رازی، روض الجنان، ج ۲۰، ص ۷۹-۸۲؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۱۴۷ و ۱۴۸.

۳. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۴. ابن بطریق، عمدة عیون صحاح الاخبار، ص ۳۴۵-۳۴۹؛ همو، خصائص الوحي المبین، ص ۱۷۵-۱۷۸؛ به نقل از او، ابن طاووس، الاقبال، ج ۲، ص ۳۷۴-۳۷۶ و الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، ص ۱۰۷-۱۱۰.

یتیم این ماجرا در منابع گروه اول از یتیمان مسلمان معرفی می‌گردد، ولی در تفسیر ثعلبی از یتیمان مهاجر معرفی می‌شود. حاکم حسکانی، پدر او را از شهدای احد^۱ و جمال الدین ابن طاووس (د. ۶۷۳ق.) پدر یتیم را از شهدای عقبه می‌دانند.^۲ این امکان وجود دارد که حالت جمعی برای این اختلافات تصویر شود، اما به صورت طبیعی نشان دهنده تردید و تشکیک در این گزارش است.

در این گزارش، حضرت فاطمه علیها السلام روز دوم با شعر از شهادت امام حسین علیه السلام در کربلا خبر می‌دهد و قاتلان خویش را به جهنم وعده می‌دهد.^۳ این پنج تن، سه شبانه روز به غیر از آب خالی^۴ چیزی نخوردند و بر این نکته تأکید می‌شود که آب با چیزی مخلوط نبوده است تا شدت گرسنگی نشان داده شود. همچنین افزوده‌اند که روز چهارم، امام علی علیه السلام دست حسنین را گرفت و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت. بنابراین، گرسنگی این خانواده، چهار روز بوده است نه سه روز.^۵ روز چهارم که امام علی علیه السلام حسنین را با آن حالت ضعف و ارتعاش به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌برد، در برخی روایات آمده است که فاطمه علیها السلام و فضه هم همراه ایشان بودند و از شدت ضعف، توان راه رفتن نداشتند.^۶

بعضی از آیات این سوره، تفسیر و تأویل شده است، از جمله آن که در تفسیر آیه «لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا» از عبدالله بن عباس (د. ۸۸ق.) نقل شده است که روزی ساکنان بهشت می‌بینند که بهشت نورانی شد. به خدا عرض می‌کنند که پروردگارا! گفته بودی در بهشت خورشیدی وجود ندارد؟ جبرئیل خبر می‌آورد که نور خورشید نیست. بلکه

۱. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۹۶.

۲. ابن طاووس، بناء المقالة الفاطمية، ص ۲۳۷.

۳. شیخ صدوق، الامالی، ص ۳۳۱.

۴. ماء القراح.

۵. به منابع پانوشت دوم صفحه ۱۱ مراجعه شود.

۶. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۹۷.

نور خنده علی و فاطمه است و بهشت از خنده آنان نورانی شد.^۱ این امر به این معنا است که خنده‌های ایشان به قدری نادر است که بهشتیان این نورافشانی را برای نخستین بار می‌بینند.

ابن شهر آشوب (د. ۵۸۸ق.) تا روز چهارم را مانند بقیه بیان می‌کند ولی درباره ضعف کودکان و سایر ماجرا می‌نویسد:

پس از مشاهده این وضعیت از سوی پیامبر، جبرئیل با غذایی بهشتی در سینی طلائی که با دُر و یاقوت تزیین شده بود و بوی مشک و کافور می‌داد، نازل شد. همگی از این غذا خوردند ولی یک لقمه هم از آن کم نشد. تا آن که امام حسین با لقمه‌ای در دست از خانه خارج شد. زنی یهودی او را دید و پرسید: ای خاندان گرسنگی! غذا از کجا آورده‌اید؟ به من هم بدهید. همین که حسین دست دراز کرد که آن لقمه را بدهد، جبرئیل آمد و لقمه را به آسمان برد و آن سینی به آسمان رفت. رسول خدا ﷺ فرمود: اگر حسین چنین نمی‌کرد، این سینی تا روز قیامت در نزد خاندان من بود و حتی یک لقمه هم از آن کم نمی‌شد.^۲

ابن بطریق به نقل از محمد بن علی، شاگرد ابوحامد غزالی (د. ۵۰۵ق.) از کتاب *البلغة* ثعلبی نقل می‌کند که غذایی آسمانی آمد و این خاندان هفت روز از آن خوردند.^۳ روشن است که در روایت ابن شهر آشوب به جای نقل منقبت، دشمنی با یهود مطرح شده است. ضمن آن که پنداری مخالف منقبت به ذهن می‌رسد و نشان می‌دهد پاداش کار خیر، محرومیت از نعمت بهشتی است. هم‌چنین، ابن شهر آشوب در این باره می‌نویسد:

۱. همان، منابع پانوشت دوم صفحه ۱۱.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۴۸.

۳. ابن بطریق، العمدة، ص ۳۴۸.

صدقه در شب ۲۵ ذی حجه بود و آیات در فردای آن شب نازل شد.^۱

این در حالی است که وی پیش از آن ادعا کرده بود، جبرئیل غذا آورده است، نه آیه. هم‌چنین گفته بود که صدقه سه شب بود، نه یک شب.^۲

علی ابن طاووس (د. ۶۶۴ق.ه) به نقل از مصباح‌المتجهجد در این باره می‌نویسد:

صدقه در شب ۲۵ و نزول سوره هل اتی در روز ۲۵ ذی حجه بود.^۳

با این حال، او که متوجه این تناقض شده است، تلاش می‌کند، آن را به نوعی توجیه نماید و می‌گوید که بر اساس برخی روایات، صدقه در سه شب بوده است. پس احتمال دارد که شب اول، شب ۲۵ بوده باشد.^۴

بر اساس این روایت، حضرت فاطمه علیها السلام هر روز پنج قرص نان درست کرده بود و تا سه روز، همه را به نیازمند می‌دادند. اشکالی که بر این منقبت وارد است، آن است که از یک سو، انفاق مستحب است ولی تأمین خوراک خانواده و به ویژه فرزندان بیمار و گرسنه بر پدر خانواده واجب است. با این وصف، امام علی علیه السلام عمل واجب را ترک کرده است و کاری مستحب را انجام داده است. به خصوص در شرایطی که توان تهیه غذای دیگری نداشته است.

علاوه بر آن بزرگ‌ترها می‌توانستند ایثار کنند و سهم خود را ببخشند، اما چرا غذای دو کودک را هم به سائلان بخشیدند. بنابراین، چنین بخششی با عقل و شرع موافق نخواهد بود. هرچه غلظت این ادعا بیشتر شود، قبح آن بیشتر خواهد شد. از سوی دیگر، هر صاع، سه کیلو است و بر اساس ادعای منابع، هر سه کیلو یک جا به یک نفر داده می‌شد.

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۴۸.

۲. همان.

۳. ابن طاووس، الاقبال، ج ۲، ص ۳۷۴، ۳۷۵.

۴. همان.

بخشش یک قرص نان به هر نیازمند کافی بود تا او را از گرسنگی نجات دهد، چرا هر سه کیلو را به یک نفر بدهند؟ آیا بهتر و معقول‌تر نبود که به جای همه نان‌ها، یک قرص را به سائل می‌دادند و دست کم سهم کودکانی را که تازه از مریضی بهبود یافته بودند به خورد آنان می‌دادند.

به هر حال می‌توان پذیرفت که در شرایط خاصی و برای یک بار، غذای خانواده به نیازمندان بخشیده شده است، اما تکرار آن در سه روز و ضعف و گرسنگی همه خانواده، به خصوص کودکان مریض، قابل پذیرش نیست. به ویژه که این امکان فراهم بود تا افطاری بین نیازمند و خانواده تقسیم شود.

۷. عرضه این روایت به قرآن

در آموزه‌های دین اسلام، صدقه و کمک به دیگران حد و مرزی دارد. انسان می‌تواند حق خود را با ملاحظه شرایطی ببخشد، ولی بخشش حق کودکانی که به شدت به این نان محتاج بودند، چگونه قابل پذیرش است؟ هم‌چنین، با وجود این که به سائلان متعددی تصریح نشده است، چگونه می‌توان پذیرفت که غذای پنج نفر، شامل دو کودک که چند روزی گرسنه بودند و از گرسنگی بی‌حال شده بودند^۱ به یک نفر بخشیده شده است؟ در حالی که خداوند، پیامبر ﷺ خود را از این گونه بخشش‌ها منع فرموده است و در سوره اسراء می‌فرماید:

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا

مَحْسُورًا؛ و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده دستی منما تا

ملامت‌شده و حسرت‌زده بر جای مانی.^۲

۱. شیخ صدوق، الامالی، ص ۳۳۲.

۲. اسراء: ۲۹.

در شأن نزول این آیه از ائمه علیهم السلام روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ نیازمندی را دست خالی بر نمی‌گرداند. زمانی نیازمندی درخواست کمک کرد و آن حضرت، چون چیزی برای بخشیدن نداشت، پیراهن خویش را در آورد و به او داد. پیرو آن، این آیه نازل شد و در بخشش هم، راه اعتدال را توصیه کرد که هم باید بخشنده بود و هم در بخشش نباید افراط و اسراف کرد.^۱

۱. عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ عَجَلَانَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَجَاءَ سَائِلٌ فَقَامَ إِلَيَّ مِكْتَلٌ فِيهِ تَمْرٌ فَمَلَأَ يَدَهُ فَنَآوَلَهُ ثُمَّ جَاءَ آخَرَ فَسَأَلَهُ فَقَامَ فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَنَآوَلَهُ ثُمَّ جَاءَ آخَرَ فَسَأَلَهُ فَقَامَ فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَنَآوَلَهُ ثُمَّ جَاءَ آخَرَ فَقَالَ اللَّهُ رَازِقُنَا وَإِيَّاكَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ لَا يَسْأَلُهُ أَحَدٌ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِ امْرَأَةٌ ابْنًا لَهَا فَقَالَتْ انْطَلِقْ إِلَيْهِ فَاسْأَلْهُ فَإِنْ قَالَ لَكَ لَيْسَ عِنْدَنَا شَيْءٌ فَقُلْ أَعْطِنِي قَمِيصَكَ قَالَ فَأَخَذَ قَمِيصَهُ فَرَمَى بِهِ إِلَيْهِ وَ فِي نُسْخَةٍ أُخْرَى فَأَعْطَاهُ فَأَدَّبَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْقَصْدِ فَقَالَ وَ لَا تَجْعَلَ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا (كليني، الكافي، ج ۴، ص ۵۵)؛ ثُمَّ عَلَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيَّهَ ص كَيْفَ يُنْفِقُ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ كَانَتْ عِنْدَهُ أُوقِيَّةٌ مِنَ الذَّهَبِ فَكَرِهَ أَنْ يَبِيْتُ عِنْدَهُ فَتَصَدَّقَ بِهَا فَأَصْبَحَ وَ لَيْسَ عِنْدَهُ شَيْءٌ وَ جَاءَهُ مَنْ يَسْأَلُهُ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَا يُعْطِيهِ فَلَامَهُ السَّائِلُ وَ اغْتَمَّ هُوَ حَيْثُ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَا يُعْطِيهِ وَ كَانَ رَجِيمًا رَقِيقًا فَأَدَّبَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهَ ص بِأَمْرِهِ فَقَالَ وَ لَا تَجْعَلَ يَدَكَ مَغْلُولَةً؛ سپس خداوند چگونگی انفاق و خرج را به پیامبرش آموخت، [و این از آن جا شروع شد که] نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله حدود هفت صد مثقال طلا بود و آن حضرت از نگهداری آن کراهت داشت و شبانه همه آن را صدقه داد و صبح فردا دیگر هیچ مالی نداشت، [از قضا] فقیری سر رسید و از آن جناب تقاضای کمک مالی کرد و پیامبر چون مالی نداشت به او چیزی نداد و همین امر سبب شد که مورد ملامت سائل واقع گردد و این سبب حزن و اندوه پیامبر شد؛ چرا که او مهربان و دلسوز بود. پس خداوند به پیامبرش ادب آموخت و فرمود: (وَ لَا تَجْعَلَ يَدَكَ مَغْلُولَةً)، [و معنای سخن خداوند این است که] می‌فرماید: مردم پیوسته از تو درخواست مال می‌کنند و هیچ معذورت نمی‌دارند، پس چون تمام داراییت را عطا کردی آن‌گاه دچار زیان مالی گردی (کلینی، الكافي، ج ۵، ص ۶۷ و ۶۸)؛ کان سبب نزولها ان رسول الله صلى الله عليه وآله كان لا يرد أحدا يسأله شيئا عنده فجاءه رجل فسأله فلم يحضره شيء فقال يكون إن شاء الله، فقال يا رسول الله أعطني قميصك، فأعطاه قميصه فأنزله الله "ولا تجعل يدك مغلولة إلى عنقك . . الخ" فنهاه ان يبخل أو يسرف ويقعد محسورا من الثياب، فقال الصادق عليه السلام المحسور العريان (قمي، تفسير القمي، ج ۲، ص ۱۸، ۱۹).

هم‌چنین در سوره فرقان، یکی از ویژگی‌های عباد الرحمن، میانه روی در بخشش بیان می‌شود و خداوند در این باره می‌فرماید:

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا؛ و کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو حد وسط را برمی‌گزینند.^۱

هم‌چنین در آیه‌ای دیگر، خداوند پس از امر به کمک به دیگران، به پیامبر ﷺ توصیه می‌کند که در این کار زیاده روی و اسراف نکند و می‌فرماید:

وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا؛ و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه مانده را [دستگیری کن] و ولخرجی و اسراف مکن.^۲

اکنون باید دید که آیا این نگاه غلو آمیز که ایشان را از الگو بودن برای جامعه خارج می‌کند خدمت به اهل بیت علیهم‌السلام محسوب می‌شود؟ هم‌چنین آیا نمی‌توان پرسید، با این که پیامبر ﷺ می‌دانست بچه‌ها مریض هستند، چرا در این سه، چهار روز به دیدن آنان نرفت و خبری از ایشان نگرفت؟

زیاده روی در منقبت سازی سبب شده است که در برخی روایات به نقل از ابوبکر بن ابی قحافه، کندن در خیبر، پس از این سه روز روزه داری و در حال تشنگی و گرسنگی تعیین شود و پیامبر ﷺ را به همین سبب خندانده و گریاننده توصیف نمایند.^۳

در حالی که بر اساس برخی منابع تاریخی، پیامبر ﷺ در اوایل ماه محرم، عازم خیبر شد و در ماه صفر آن را گشود.^۴ بعضی معتقدند که حرکت به سوی خیبر در جمادی الاولی

۱. فرقان: ۶۷.

۲. اسراء: ۲۶.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۸۱، ۱۸۲.

۴. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۳۴۲ - ۳۵۵؛ ابن حیب، کتاب المحبر، ص ۱۱۵.

سال هفتم بوده است.^۱ چنان که گذشت، ماجرای اطعام و نزول سوره در ماه ذی حجه بوده است و این تاریخ با وقوع جنگ خیبر در ماه صفر یا جمادی الاولی سازگار نیست.

۸. گزارش دوم

برخی منابع روایتی نقل می‌کنند که اساس آن قابل قبول است ولی لحن و برخی جملات آن نشان دهنده آن است که کسانی در مقابل این فضیلت قرآنی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام، تلاش کرده‌اند تا آن را تحریف کنند و به منقصت تبدیل نمایند. مضمون این گزارش چنین است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از شدت گرسنگی، سنگ بر شکم خود می‌بست. آن حضرت در یکی از روزهایی که روزه بود و چیزی برای خوردن نداشت، به خانه حضرت فاطمه علیها السلام آمد. امام حسن و امام حسین علیهما السلام نزد ایشان آمدند و شکوه کردند که مادرشان غذا نمی‌دهد. پیامبر صلی الله علیه و آله از دخترش خواست، آنان را سیر کند و حضرت فاطمه علیها السلام جواب داد که چیزی برای خوردن ندارند. پیامبر صلی الله علیه و آله از آب دهانش بر آنان خورانید. حسنین علیهما السلام سیر شدند و خوابیدند اما برای افطار، سه قرص نان جو برای پیامبر صلی الله علیه و آله قرض کردند.

هنگام افطار که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواست با نان‌ها افطار کند، مسکین، یتیم و اسیر در همان شب درخواست طعام کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله به جای امام علی علیه السلام، هر بار دخترش را خطاب قرار داد و فرمود: فاطمه مسکین، یتیم و اسیری به درگاه خانه‌ات آمده است. سپس فرمود: ای علی! برو و به او غذا بده و آن حضرت هر بار، یک قرص نان را به نیازمند داد. فردای آن شب، آیه اطعام نازل شد.

با این حال، این جریان پایان ماجرا نیست. بر اساس این گزارش، پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان ایشان که گرسنه بودند، برای یافتن غذا در کوچه‌های مدینه راه افتادند. پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید که به در خانه چه کسی برویم؟ امام علی علیه السلام در پاسخ گفت که جز نزد ابوبکر، جای

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۷۷.

دیگری نمی‌شود رفت. آنان پیش از رسیدن به خانه ابوبکر، او را در کوچه دیدند که او هم از گرسنگی به دنبال غذا بود. پس از مشورت، تصمیم گرفتند به خانه عمر بروند که دیدند، او هم گرسنه است و در حال جست‌وجوی غذا. همگی به در خانه مقداد رفتند که دود از خانه‌اش برمی‌خاست و نشانه پخت غذا بود.

در این هنگام، پیامبر ﷺ به ابوبکر گفت: در بزن. در زده شد و مقداد جوابی نداد. سپس، عمر به دستور آن حضرت سه بار در زد. باز هم پاسخی داده نشد. سپس، امام علی علیه السلام سه بار در زد که نتیجه‌ای نداشت. بار آخر، خود پیامبر ﷺ پیش رفت و مقداد را صدا کرد که بیرون آید. همسر مقداد فریادش برخاست که اگر خودت بیرون نروی، من بیرون می‌روم. مقداد ناچار بیرون آمد و با شرمندگی گفت که غذایی پخته بودند که بین همسایه‌ها تقسیم کرده‌اند و اکنون چیزی برای خوردن ندارند.

پیامبر ﷺ با تأیید کار مقداد، سفارش جبریل نسبت به همسایه را بازگفت و با توصیه ابوبکر و تصدیق پیامبر ﷺ، به خانه ابوالهثیم بن تیهان رفتند. در این جا، قصه مقداد و همسایه‌ها تکرار شد. سپس پیامبر ﷺ با معجزه و پاشیدن آب دهان، درخت خرمايي را که در گوشه حیاط ابوالهثیم بود، بارور ساخت. همگی خوردند و سیر شدند و به دستور پیامبر ﷺ، امام علی علیه السلام مقداری خرما برای فاطمه علیها السلام و حسنین علیهما السلام به خانه برد.^۱

۹. نقد روایت

این گزارش، ضعف‌های تاریخی و محتوایی دارد که به اختصار به آنها اشاره می‌شود. در این گزارش، دست‌برد جریان مخالف اهل‌بیت علیهم السلام آشکار است. از یک سو، جایگاه امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام و حتی رسول خدا صلی الله علیه و آله پایین کشیده شده است و از سوی

۱. کوفی، المناقب، ج ۱، ص ۵۸ - ۶۲.

دیگر، شیخین وارد ماجرا شده‌اند و فضایی در قالب نزدیکی آنان به پیامبر ﷺ و تأیید ضمنی آرای آنان گنجانده شده است.

محمد بن احمد قرطبی (د. ۶۷۱ق.) به نقل از ابوالحسن ماوردی (د. ۴۵۰ق.)، شش تن از مهاجران شامل ابوبکر، عمر، زبیر، عبدالرحمان بن عوف، سعد بن ابی وقاص و ابو عبیده جراح را در ردیف امیرالمؤمنین حضرت علی رضی الله عنه قرار می‌دهد و می‌گوید که این هفت نفر، چون متکفل اسیران بدر شدند، آیه درباره آنان نازل شد. هم‌چنین، آن را به نقلی در شأن مطعم بن ورقاء انصاری یا فرد دیگری که در یک روز، سه نفر را اطعام کرد، بیان می‌کند. آن‌گاه به نقل از ثعلبی و برخی دیگر در شأن اهل بیت می‌آورد و به خاطر ضعف‌های موجود در آن می‌گوید:

صحیح آن است که درباره همه نیکوکاران نازل شده است.^۱

هم‌چنین، حاکم حسکانی خبر می‌دهد که ناصبی‌ها به نزول آن درباره اهل بیت رضی الله عنهم اعتراض دارند و ادعا می‌کنند سوره مکی است و این اتفاق در مدینه افتاده است. پس این آیه در شأن این خانواده نیست.^۲

هم‌چنین، شخصیت با عظمت رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین حضرت علی رضی الله عنه را که سرچشمه کمک و دست‌گیری از نیازمندان بودند و آیاتی در تمجید عمل آنان نازل شده است در این روایت از ماجرا، مانند سائلان در کوچه‌ها از این خانه به آن خانه به دنبال سیر کردن شکم خویش به راه افتاده‌اند. چه توهینی بیشتر از این می‌توان در حق این خاندان روا داشت؟ گویا پیامبر ﷺ، خانه و زندگی و همسری نداشت تا به فکر سیر کردن شکم آنان باشد.

۱. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۹، ص ۱۳۰-۱۳۵.

۲. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۰۹.

دلیل این امر، آن است که چون این فضیلت در خانه امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام رخ داده بود، جاعل داستان برای کاستن از مقام این دو، ناچار شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله را به این خانه آورد و محور قرار دهد و شخص روزه دار و بخشنده افطار را پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کند نه امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام. افزون بر این که راوی این داستان، زید بن ارقم معرفی شده است در حالی که برای وی، هیچ نقش و سهمی در این داستان در نظر گرفته نشده است.

محمد بن سلیمان کوفی، همین خبر را با سندی دیگر هم آورده است که تنها تا نزول آیه را دارد و بقیه داستان در آن نیست.^۱

۱۰. گزارش سوم

گزارش دیگری از این واقعه وجود دارد که در برخی منابع شیعه و سنی آمده است و منطقی و عقلانی است. البته این روایت، طرق مختلف و تفاوت‌هایی دارد که به آنها اشاره می‌شود. بر اساس این روایت، امام علی و فاطمه علیها السلام روزه بودند، نزدیک افطار، حضرت فاطمه علیها السلام با آردی که داشتند، روی خاکسترهای داغ^۲ یک قرص نان پخت و از ظرف روغن که کمی روغن داشت، اندکی روغن به آن مالید و منتظر وقت افطار شدند. در این هنگام، مسکینی در خانه را زد و با صدای بلند گفت که گرسنه و نیازمند است. امام علی علیه السلام از همسرش پرسید که آیا چیزی برای کمک دارند؟ حضرت فاطمه علیها السلام گفت که قرص نانی آغشته به روغن برای افطار تهیه کرده است. امام علی علیه السلام آن را به مسکین داد و حضرت زهرا علیها السلام با باقی مانده آرد، حلوا^۳ درست کرد تا افطار کنند.

۱. کوفی، المناقب، ج ۱، ص ۱۶۲-۱۶۴؛ هم چنین، ر.ک: فرات کوفی، التفسیر، ص ۵۲۶ و ۵۲۷؛ حاکم

حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۰۷، ۴۰۸.

۲. قرص ملة: شاید ذغال.

۳. حریره.

مسکین نان را گرفت و در کوچه مشغول خوردن شد. زنی مستمند که بچه یتیمی به همراه داشت و گدایی می کرد، چشمش به آن مرد افتاد که در حال خوردن نان بود، از او خواست به بچه یتیم کمک کند و مقداری نان دهد. مسکین به آنها نان نداد ولی آنها را به خانه امام علی علیه السلام راهنمایی کرد و گفت که از این خانه، نان گرفته است. آنان در زدند و تقاضای طعام کردند. دوباره امام علی علیه السلام پرسید که آیا خوراکی دارند و زهرای مرضیه علیها السلام پاسخ داد که مقداری حلوا درست کرده است و خود خانم فاطمه علیها السلام حلوا را در دامن آن زن ریخت و مقداری خرما را از هسته جدا کرد و با قطرات باقی مانده روغن آغشته کرد و حلوا درست کرد تا افطار کنند.

زنی که حلوا را گرفته بود به کودک یتیم غذا داد و اسیری در آن حال با آنان روبه رو شد. او که گرسنه بود، از زن خواست مقداری از غذا را به او بدهد. او هم مانند فرد قبلی، او را به در خانه امام علی علیه السلام فرستاد. اسیر در زد و گفت که ای اهل خانه! اسیری غریب و گرسنه هستیم. کمک کنید. امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام آخرین غذای خود را هم به این اسیر دادند و دیگر چیزی نداشتند که بخورند. ایشان آن شب را گرسنه ماندند و فردا بدون سحری روزه گرفتند، ولی خداوند تا شب، روزی ایشان را رساند.^۱

این گزارش به شکل های دیگری آمده است. در گزارشی، علی بن ابراهیم قمی (د. قرن ۴ق.) و ابوعلی طبرسی (د. ۵۴۸ق.) به نقل از امام صادق علیه السلام آورده اند که حضرت فاطمه علیها السلام مقداری آرد جو را عصیده^۲ درست کرد، اما هنگامی که مهیای خوردن بودند، مسکین، یتیم و اسیر یکی پس از دیگری مراجعه کردند و هر بار اهل خانه، یک سوم غذا را دادند و خود بدون غذا ماندند. در پی این ماجرا، آیه اطعام نازل شد.^۳ آن گاه طبرسی می - افزاید که هر مؤمنی به خاطر خدا نیکی کند، شایسته تقدیر الهی است.

۱. خوارزمی، المناقب، ۲۷۱ - ۲۷۴؛ بحرانی، غایة المرام، ج ۴، ص ۹۴ - ۹۶.

۲. مخلوطی بدون گوشت.

۳. قمی، التفسیر، ج ۲، ص ۳۹۸، ۳۹۹؛ طبرسی، جوامع الجامع، ج ۳، ص ۶۹۲.

هم‌چنین، فرات بن ابراهیم کوفی (د. ۳۵۲ق.) از عبدالله بن عباس به صورت خلاصه نقل می‌کند که این آیه درباره امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام است که چون سه عدد نان نازک^۱ داشتند و هر سه را به مسکین، یتیم و اسیر دادند و گرسنه خوابیدند، آیه نازل شد.^۲

فرات در روایت دیگری به نقل از ابن عباس می‌گوید:

علی و فاطمه علیهما السلام و خدمتکارشان به دیدار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتند. پیامبر به هر کدامشان مقداری غذا داد. هنگامی که به خانه بازگشتند، نیازمندی مراجعه کرد و علی علیه السلام، غذای خود را به او داد. پس از آن یتیمی که از همسایگان بود، آمد و فاطمه علیها السلام نیز غذای خود را به یتیم بخشید. سپس اسیری آمد و به خواست علی علیه السلام، فضا هم غذای خود را داد.^۳

و در روایت دیگر تفسیر فرات، حسین بن سعید اهوازی (زنده در ۲۵۴ق.) از عبدالله بن عبیدالله بن ابی رافع (د. قرن دوم) از پدرش و از جدش ابو رافع، مولای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند:

حذیفه بن الیمان (د. ۳۶ق.) غذایی پخت و علی علیه السلام را دعوت کرد، اما چون حضرت روزه بود، این را به حذیفه فرمود و به خانه بازگشت. ولی حذیفه نصف غذای آماده را به خانه امام فرستاد. علی علیه السلام این غذا را بین خود، فاطمه و فضا تقسیم کرد و از خانه بیرون رفت. در راه خانمی با فرزندان یتیمش از حضرت درخواست کمک کرد. علی علیه السلام برگشت و سهم خودش را به آنان بخشید. پس از

۱. ارغفه.

۲. فرات کوفی، التفسیر، ص ۵۲۹.

۳. همان، ص ۵۲۸.

آن فقیر دیگری مراجعه کرد و از گرسنگی اش گفت. حضرت نزد همسرش فاطمه رفت و پرسید که آیا حاضر است سهم خود را در راه خدا ببخشد، او چنین کرد. سپس اسیری آمد و تقاضای غذا کرد. حضرت همان پیشنهاد را به فضا کرد و سهم او را هم به اسیر داد.^۱

در تفسیر مقاتل بن سلیمان (د. ۱۵۰ق.) آمده است که این آیه درباره ابودحداح انصاری و به نقلی در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است^۲ اما او این اتفاق را در یک شب می‌داند. حسین بن مسعود بغوی (د. ۵۱۰ق.) هم به نقل از او، همین را تکرار می‌کند.^۳ هم‌چنین، ابولیت سمرقندی (د. ۳۸۳ق.) مراجعه نیازمندان را در یک روز می‌داند که هر بار یک سوم غذا را دادند و خود گرسنه ماندند و خدا با نزول آیه، آنان را مدح کرد.^۴ ثعلبی هم به نقل از مقاتل و به عنوان شأن نزول اول آورده است که درباره فردی انصاری و در یک روز بوده است.^۵ روایت مفصل او در حدیث یکم گذشت. شیخ مفید (د. ۴۱۳ق.) ماجرای اطعام را در یک شب و شب ۲۵ ذی حجه می‌داند و در این باره می‌نویسد:

سوره هل آتی، فردای آن و در روز بیست و پنجم نازل شد.^۶

حاکم حسکانی (قرن ۵)، واحدی نیشابوری (د. ۴۶۸ق.) و محمد بن طلحه شافعی (د. ۵۲ق.) به گونه‌ای دیگر نقل می‌کنند که امام علی علیه السلام یک شب، نخلستانی را آبیاری کرد و در مقابل آن، مقداری جو گرفت. فردای آن، جوها را آرد کردند و در سه مرحله غذایی^۷

۱. همان، ص ۵۲۷، ۵۲۸.

۲. مقاتل بن سلیمان، التفسیر، ج ۳، ص ۴۲۸.

۳. بغوی، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن (تفسیر البغوی)، ج ۴، ص ۴۲۸.

۴. سمرقندی، التفسیر، ج ۳، ص ۵۰۴.

۵. ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۱۰، ص ۹۸.

۶. شیخ مفید، مسار الشیعة، ص ۴۱ و ۴۲.

۷. آش جو.

درست کردند، اما هر بار مسکین، یتیم و اسیر آمدند و آنان غذای آماده را به نیازمند بخشیدند و بدون غذا ماندند. در پی آن، آیه نازل شد و خداوند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از این واقعه آگاه ساخت.^۱

این روایت با گزارش ابن مردویه (د. ۴۱۰ق.) و با حدیث یکم که اشاره به پشم‌ریسی داشت، قابل جمع است و می‌توان احتمال داد که در نقل ابن مردویه، مقدمات فراهم شدن آرد حذف شده است. همچنین، ابن مغزلی (د. ۴۸۳ق.) این ماجرا را در یک روز می‌داند و در این باره می‌نویسد:

علی و فاطمه علیهما السلام و خادمشان روزه گرفتند و سه عدد نان داشتند. به وقت افطار سه نفر پیایی آمدند و درخواست طعام کردند. هر بار یکی از این سه تن به ترتیب نان خود را بخشیدند و شب گرسنه خوابیدند. فردای آن خداوند آیات طعام را نازل فرمود.^۲

سمعانی (د. ۴۸۹ق.) در این باره می‌نویسد:

نخست، آیه برای عموم است. دوم، گفته شده است که در شأن علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام است که علی و فاطمه علیهما السلام روزه گرفتند و فاطمه سه قرص نان جو درست کرد، یکی برای علی، یکی خودش و یک قرص برای حسنین اما سه نیازمند در یک شب درخواست کمک کردند و اینان هر سه قرص را دادند. البته به نقلی ضعیف آن را درباره ابودرداء (گویا تصحیف ابودحداح) آورده است.^۳

۱. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۰۵؛ واحدی، اسباب النزول، ص ۲۹۶؛ ابن طلحه، مطالب السؤل، ص ۱۷۴.

۲. ابن مغزلی، مناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۲۲.

۳. سماعانی، التفسیر، ج ۶، ص ۱۱۶.

۱۱. نتیجه گیری

چنان که مشاهده شد بر اساس گزارش سوم، همه این ماجرا در یک شب اتفاق افتاده است. این گزارش که به دور از قصه پردازی و صحنه سازی روایت شده است، به طور کامل معقول است. از این رو برای دوست و دشمن پذیرفتنی است، اما هنگامی که گزارشی حاشیه سازی می شود و از مسیر خود خارج می گردد، طبیعی است که عده ای حتی اصل آن را هم منکر شوند و آن را ساخته شیعیان بدانند.^۱

بر اساس آموزه های دین مبین اسلام در بحث فضیلت های انسانی، نفس عمل و اخلاص در عمل، مهم و قابل ارزش گذاری است. همان گونه که در باب صدقه در نماز، امیرمؤمنان (علیه السلام) در یک لحظه و از روی اخلاص، انگشتر خود را به نیازمند بخشید و مورد رضایت و تمجید پروردگار قرار گرفت، در این جا هم، چون این خاندان، روزه و گرسنه بودند و به فرموده خداوند، اشتیاق به خوردن داشتند، اما به خاطر رضای خداوند، افطاری خود را که همه غذای موجودشان بود به نیازمندان بخشیدند و خود بدون افطار ماندند، پروردگار متعال آن را بزرگ داشت و به عنوان الگو معرفی فرمود.

لازم است بدانیم که این عمل اهل بیت (علیهم السلام) به قدری ارجمند و بزرگ است که نیازی به بزرگ نمایی و پیرایش ندارد، اما گاه برخی از افراد ساده اندیش، تصور می کنند که این گونه، رفتارهای پسندیده و انسانی به اندازه کافی تأثیرگذار نیستند و تلاش می کنند، سختی و سوزناکی آنها را افزایش دهند تا به گمان خود، بزرگی اهل بیت و عظمت کارشان را نمایان تر سازند.

بنابراین از جمع گزارش هایی که با عقل و منطق سازگار هستند، این نتیجه به دست می آید که پس از بیماری حسنین (علیهم السلام) و پیشنهاد نذر، امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) و

۱. ر.ک: قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۹، ص ۱۳۰ - ۱۳۵؛ ابن کثیر، السیرة النبویة، ج ۴، ص ۶۴۹ و ۶۵۰؛ ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۳۵۱.

حضرت فاطمه علیها السلام و به تبع آنان، خدمتکارشان فضا تصمیم گرفتند در صورت بهبودی حسنین علیهما السلام سه روز، روزه بگیرند. در هنگام عمل به این نذر، گویا به خاطر مشکلات مالی، پدر و مادر با کار کردن، مقداری جو تهیه نمودند و روزه گرفتند، اما در روز اول و شاید روز دوم، این ماجرا رخ داد و خداوند برای تقدیر از عمل خالصانه آنان، آیاتی نازل فرمود و پیامبر صلی الله علیه و آله را از آن با خبر ساخت.



منابع

۱. ابن مغزلی، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد واسطی جلابی شافعی، مناقب علی بن ابی طالب، قم: سبط النبی، ۹، ۱۳۸۴.
۲. ابن بطریق، شمس الدین یحیی بن حسن اسدی ربعی حلی (د. ۶۰۰ق.)، خصائص الوحی المبین، تحقیق مالک محمودی، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۷ق.
۳. _____، عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الأبرار، قم: جامعه مدرّسین حوزه علمیه، ۱۴۰۷ق.
۴. ابن حبیب، ابوجعفر محمد بن حبیب بن امیة بن عمرو هاشمی بغدادی (د. ۲۴۵ق.)، کتاب المحبر، تحقیق ایلزه لیشتن اشتتر، بیروت: بی نا، بی تا.
۵. ابن سعد، محمد بن سعد زهری (د. ۲۳۰ق.)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، بی تا.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی (د. ۵۸۸ق.)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از علمای نجف، نجف: انتشارات حیدریه، ۱۳۷۶ق/۱۹۵۶م.
۷. ابن طاووس، سید جمال الدین ابوالفضائل احمد بن موسی بن طاووس حلی (د. ۶۷۳ق.)، بناء المقالة الفاطمیة فی نقض الرسالة العثمانیة، تحقیق سید علی عدنانی غریفی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحیاء التراث، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م.
۸. ابن طاووس، سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس حلی (د. ۶۶۴ق.)، الاقبال (د. ضماری السبق فی میدان الصدق)، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ یکم، رجب ۱۴۱۴ق.
۹. _____، الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف، قم: انتشارات خیام، ۱۳۹۹ق.
۱۰. ابن طلحه، محمد بن طلحه شافعی (د. ۶۵۲ق.)، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول ﷺ، تحقیق ماجد بن احمد عطیه، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۱. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی (د. ۷۷۴ق.)، البداية و النهایة، تحقیق علی شیری، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۱۲. _____، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیروت: دار المعرفة، چاپ ۱۳۹۶ق/۱۹۷۶م.

۱۳. ابن مردویه، ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی (د. ۴۱۰ ق.)، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام و ما نزل من القرآن فی علی، تحقیق عبدالرزاق محمد حسین حرز الدین، قم: دار الحدیث، چاپ ۱۴۲۲ ق/ ۱۳۸۰.
۱۴. ابن هشام، عبدالملک بن هشام حمیری (د. ۲۱۸ ق.)، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری و عبدالحفیظ شلبی، قاهره ۱۳۵۵ ق/ ۱۹۳۶ م.
۱۵. بحرانی، سید هاشم موسوی توبلی بحرانی (د. ۱۱۰۷ ق.)، غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص والعام، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۱۶. بغوی، حسین بن مسعود بن محمد معروف به فراء، (د. ۵۱۰ ق.)، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن (تفسیر البغوی)، تحقیق خالد عبدالرحمن عک، بیروت: دار المعرفة، بی‌تا.
۱۷. ثعلبی، ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم نیشابوری (د. ۴۳۷ ق.)، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، تحقیق ابو محمد بن عاشور و نظیر ساعدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۱۸. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی أهل البیت صلوات الله وسلامه علیهم، تحقیق محمد باقر محمودی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق/ ۱۹۹۰ م.
۱۹. خوارزمی، موفق بن احمد بن محمد مکی (د. ۵۶۸ ق.)، المناقب، تحقیق مالک محمودی، چاپ دوم، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۱ ق.
۲۰. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا، ۱۳۷۷.
۲۱. سمرقندی، ابولیت نصر بن محمد بن احمد بن ابراهیم سمرقندی (د. ۳۸۳ ق.)، التفسیر، تحقیق محمود مطرجی، بیروت: دار الفکر، بی‌تا.
۲۲. سمعانی، ابومظفر منصور بن محمد سمعانی (د. ۴۸۹ ق.)، التفسیر، تحقیق یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس بن غنیم، ریاض: دار الوطن، ۱۴۱۸ ق.
۲۳. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (د. ۳۸۱ ق.)، الامالی، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ ق.
۲۴. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (د. ۴۶۰ ق.)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قصیر عاملی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (د. ۴۱۳ ق.)، مسار الشیعة، تحقیق مهدی نجف، چاپ دوم، بیروت: دار المفید، ۱۴۱۴ ق.

۲۶. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (قرن ۶)، جوامع الجامع، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۸ق.
۲۷. فتال نیشابوری، محمد بن فتال نیشابوری (د. ۵۰۸ق.)، روضة الواعظین، تحقیق سید محمد مهدی خراسان، قم: انتشارات رضی، بی تا.
۲۸. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم کوفی (د. ۳۵۲ق.)، التفسیر، تحقیق محمد کاظم، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۹. قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی (د. ۶۷۱ق.)، الجامع لاحکام القرآن، تحقیق احمد عبدالعلیم بردونی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (قرن ۴)، تفسیر القمی، تحقیق سید طیب موسوی جزائری، چاپ سوم، قم: دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
۳۱. کوفی، محمد بن سلیمان (قرن ۳)، مناقب الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، تحقیق محمد باقر محمودی، قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب رازی (د. ۳۲۹ق.)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۳۳. مجلسی، محمد باقر (د. ۱۱۱۱ق.)، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۴. مقاتل بن سلیمان (د. ۱۵۰ق.)، التفسیر، تحقیق احمد فرید، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۳۵. واحدی، ابوالحسن علی بن احمد واحدی نیشابوری (د. ۴۶۸ق.)، اسباب النزول، قاهره: مؤسسه حلبی و شرکا، چاپ ۱۳۸۸ق.

